

## آموزش زنان در صدر اسلام

قسمت دوم

نعمت الله صفری

### ۳- زنان صحابی در جایگاه استادی

پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) و نیاز جامعه اسلامی به احادیث آن بزرگوار که از آن به سنت نیز تعبیر می شد، اصحابی که احادیث فراوانی از آن حضرت(ص) شنیده بودند، در جایگاه خاصی قرار گرفتند و حتی در دوره عمر که سختگیری خاصی نسبت به نقل و تدوین روایات معمول شده بود، از آنجا که او نقل روایات فقهی را اجازه می داد،(۱) این جایگاه محفوظ ماند.

در این میان زنان صحابی به ویژه آنانکه به واسطه موقعیت نسبی یا سببی خود روایات بیشتری از پیامبر اکرم(ص) شنیده بودند، مورد توجه خاص اصحاب دیگر و نیز مسلمانانی که پیامبر اکرم(ص) را درک نکرده بودند، قرار گرفتند.

این زنان خود نیز احساس وظیفه نموده و تعلیم را سرلوحه اعمال خود قرار دادند. از میان این زنان می توانیم به حضرت فاطمه زهرا(س) اشاره نماییم که با آنکه مدت فراوانی پس از رحلت پدر بزرگوارش در این دنیا نزیست، اما در همین مدت کم دست از تعلیم برنداشت و معارف اسلامی را علاوه بر آنکه به فرزندان خود همچون حسن و حسین علیهماالسلام یاد می داد، بلکه حتی زنان صحابی همچون ام سلمه، عایشه، سلمی همسر ابی رافع نیز از آن حضرت(س) روایات پیامبر اکرم(ص) را می شنیدند.(۲)

همچنین تعدادی از اصحاب پیامبر اکرم(ص) همچون سلمان، جابر بن عبدالله انصاری، ابویوب انصاری، ابوسعید خدری، ابوهریره، سهل بن سعد ساعدی، عباس بن عبدالمطلب، عبدالله بن عباس و عبدالله بن مسعود به عنوان راویان از حضرت فاطمه(س) معرفی شده اند(۳) که این احتمال وجود دارد بعضی از آنها به واسطه

روابط نسبی و یا نزدیکی فراوان به حضرت علی(ع)، بعضی از روایات را مستقیماً از زبان حضرت فاطمه زهرا(س) شنیده باشند.

زنان مدینه نیز گاه و بی گاه برای پرسیدن مسایل شرعی خود به نزد آن حضرت(س) می‌آمدند.

در گزارشی چنین آمده که یکی از این زنان سوالاتی را از حضرت(س) پرسید تا آنکه تعداد پرسشهای او به ده رسید و او خجالت زده شد و گفت: ((ای دختر پیامبر خدا(ص) دیگر به شما زحمت نمی‌دهم.)) اما حضرت(س) در جواب او فرمود: ((هاتی و سلی عما بدالك ... انی سمعت ابی یقول: ان علماً شیعتنا [امتنا] یحشرون فیخلع علیهم من خلع الکرامات علی قدر کثره علومهم وجدهم فی ارشاد عباد الله ...؛

بیا و هرچه خواستی بپرس ... من از پدرم شنیدم که می‌گفت: دانشمندان پیرو ما هنگامی که در روز قیامت محشور می‌شوند، به اندازه دانشهای آنها و نیز کوشش آنها در راهنمایی بندگان خدا به آنها خلعتهای کرامت داده می‌شود.)) (۴)

در همین روایت، حضرت(س) پاداش جواب دادن به این سوالات را به پاداش شخصی تشبیه می‌کند که برای حمل باری سنگین تا پشت بام، صد هزار دینار دریافت می‌کند و بلکه در ادامه پاداشی بسیار فراتر برای آن ذکر می‌نماید که قابل شمارش با مقیاسهای دنیوی نمی‌باشد. (۵)

عایشه همسر پیامبر اکرم(ص) به واسطه عمر طولانی خود (تا سال ۵۸ هجری) و همچنین به علت دوری مردم از اهل بیت عصمت علیهم السلام به واسطه فشارهای سیاسی، و نیز به علت جایگاه اجتماعی ویژه اش در میان اهل سنت و همچنین با توجه به آنکه در سنین پایین با پیامبر اکرم(ص) ازدواج کرده و توانسته بود بسیاری از روایات آن حضرت(ص) را حفظ نماید، توانست نقش بزرگی در تکوین سنت پیامبر اکرم(ص) در نزد اهل سنت ایفا نماید.

او یکی از هفت راوی صحابی(۶) است که با عنوان راویان مكثر یعنی روایانی که بیش از هزار حدیث نقل کرده اند، معرفی شده است که تعداد روایات او را ۲۲۱۰ روایت شمارش کرده اند که از این تعداد، ۱۷۴ روایت در هر دو صحیح مسلم و بخاری آمده و بخاری ۵۴ روایت او را به تنهایی نقل کرده است. همچنین علاوه بر آن،

مسلم ۶۹ روایت او را به تنهایی نقل کرده است. (۷) که بدین ترتیب مجموع روایات او در این کتاب به ۲۹۷ روایت می رسد و با توجه به آنکه مجموع روایات فقهی صحیح مسلم و بخاری ۱۲۰۰ روایت است، به این نتیجه می رسیم که حدود ربع روایات فقهی و به عبارت دیگر شریعت (در نظر اهل سنت) از عایشه نقل شده است. (۸)

همچنین تعداد زیادتری از روایات او در مسند احمد بن حنبل آمده است. (۹) و در مسندی که توسط ابن حجر عسقلانی (۷۷۳ - ۸۵۲ق) به نام عایشه تهیه شده است تعداد ۱۰۸۱ روایت او در دسترس همگان قرار گرفته است. (۱۰)

راویان فراوانی که بعضی تعداد آنها را تا صد نفر ذکر کرده اند، از او بدون واسطه روایت نقل کرده اند (۱۱) که می توان بسیاری از آنها را شاگردان مستقیم او دانست.

در باره او چنین گفته شده است که بزرگان اصحاب پیامبر اکرم (ص) احکام فقهی را از او سوال می کردند و در عرصه نقل روایات بهره مندی بیشتر از آن کسانی بود که همانند عروه بن زبیر رابطه نسبی نزدیکی با او داشتند. (۱۲)

همچنین زنان فراوانی همچون عمره دختر عبدالرحمن از علم او بهره فراوان بردند، به گونه ای که بعدها طبقه تابعین هرگاه می خواستند از علم عایشه بهره گیرند به او مراجعه می کردند. (۱۳)

در بعضی از روایات اهل سنت چنین آمده که عایشه برای آنکه مسأله شرعی محرمیت را حل نماید و امکان بهره وری علمی بیشتر مردان را از دانش خود فراهم آورد، مردان دانشجو را به نزد خواهر خود ام کلثوم و یا دختران خواهرش می فرستاد تا از شیر آنها بخورند و بدین وسیله او خاله رضاعی آنها می گشت که طبق فتوای او شیر خوردن بزرگسالان نیز باعث محرمیت می شد. (۱۴)

البته این عمل و فتوی موجب اعتراض تعدادی از زنان پیامبر اکرم (ص) و نیز تعداد زیادی از فقهای اهل سنت قرار گرفت، زیرا آنها احکام رضاع (شیرخوارگی) را فقط در مدت دو سال اول عمر طفل شیرخوار جاری می دانستند. (۱۵) عروه بن زبیر خواهرزاده او که در دامن او پرورش پیدا کرد و روایات فراوانی را از او نقل کرده

است، در بزرگنمایی او سهم بسزایی دارد، به گونه ای که او را داناترین مردمان به قرآن، فقه، طب، شعر، تاریخ عرب (حدیث عرب) و انساب می داند! (۱۶)

از جمله زنان دیگر که پس از پیامبر اکرم (ص) در جایگاه استادی نشست و به نقل روایات آن حضرت (ص) می پرداختند می توان از ام سلمه همسر پیامبر اکرم (ص) با ۳۷۸ روایت، اسماء بنت یزید با ۸۱ روایت، میمونه همسر پیامبر اکرم (ص) با ۷۶ روایت، حفصه دختر عمر همسر پیامبر اکرم (ص) و اسماء بنت عمیس هر کدام با ۶۰ روایت، اسماء دختر ابوبکر با ۵۸ روایت و ام حبیبه همسر پیامبر اکرم (ص) با ۵۶ روایت یاد کرد. (۱۷)

#### ۴- روایات منع آموزش کتابت (نوشتن) به زنان

با دقت در مباحث گذشته و بررسی سیره پیامبر اکرم (ص) در مورد آموزش زنان و نیز بررسی سیره عملی اصحاب آن بزرگوار، صدور روایتی از آن حضرت (ص) مبنی بر جلوگیری از آموزش کتابت به زنان به ذهن خطور نخواهد کرد.

اما با کمال تعجب مشاهده می کنیم که چنین روایتی در منابع نسبتاً معتبر سنی و شیعه راه یافته است که گرچه خوشبختانه نتوانسته عمل مسلمانان را در پی داشته باشد، اما نباید این نکته را از نظر دور داشت که این احتمال وجود دارد که در طول تاریخ این روایت دستاویز برخی مسلمانان قرار گرفته و با تمسک به آن، زنان و دختران خود را از تحصیل علم باز داشته باشند و به همین جهت توقیفی کوتاه در باره این روایت و بررسی صحت و سقم آن ضروری به نظر می رسد. محتوای این روایت که تقریباً در منابع سنی و شیعه به یک صورت وارد شده چنین است:

((قال رسول الله (ص): لا تنزلوهن الغرف و لا تعلموهن الكتابه و علموهن الغزل (المغزل) و سوره النور؛

زنان را در غرفه ها (اتاقهای بالایی خانه که مسلط بر کوچه می باشد) جای ندهید و به آنها کتابت (نوشتن) نیاموزید، (بلکه) به آنها نخ ریزی و سوره نور را بیاموزید. ))

در میان منابع اهل سنت این روایت با دو سند مختلف وارد شده است.

در سند اول آن فردی به نام محمد بن ابراهیم شامی واقع شده است، که دارقطنی یکی از حدیث شناسان اهل سنت او را ((کذاب)) معرفی می کند. (۱۸) اما سند دوم که چینش آن چنین است: ((محمد بن محمد بن سلیمان عن عبدالوهاب بن الضحاک عن شعیب بن اسحاق عن هشام بن عروه عن ابیه [عروه بن زبیر] عن عایشه)) از سوی حاکم نیشابوری مورد تأیید قرار گرفته است. (۱۹) گرچه ممکن است با مراجعه به کتب رجالی اهل سنت اختلاف نظر راوی شناسان آنها را در مورد افراد سند به دست آورد، اما به هر حال باید توجه داشت که خدشه در سند این روایت مورد اتفاق نظر آنها نیست.

آنچه که در این میان جای خوشحالی دارد آن است که این روایت در هیچ یک از صحاح شش گانه اهل سنت وارد نشده است.

در میان کتب شیعه، در یک سند این روایت نوفلی و سکونی واقع شده اند. (۲۰) که هر دو از دانشمندان اهل سنت می باشند و هرچند راستگویی و وثاقت آنها از سوی بعضی از راوی شناسان شیعه در مقابل اکثریت آنها که در برابر این دو سکوت کرده اند، مورد تأیید قرار گرفته است. اما این احتمال را نباید از نظر دور داشت که با توجه به عامی (سنی) بودن آنها و معاشرت فراوانشان با دانشمندان و محدثان اهل سنت، در اسناد بعضی از روایات دچار اشتباه شده باشند و به جای آنکه حدیثی را به محدثی از اهل سنت اسناد دهند، آن را مثلاً به امام صادق (ع) نسبت داده باشند و به عبارت دیگر، این حدیث عامی بوده و به اشتباه وارد کتب خاصه (شیعه) شده باشد.

در سند دیگر این روایت از کتاب جعفریات نقل شده است (۲۱) که اعتبار آن به شدت محل بحث فقها و رجالیون شیعه است به گونه ای که حدیث شناسانی همانند مجلسی و حر عاملی از آن در منابع خود استفاده نکرده اند. (۲۲)

چنین به نظر می رسد که گرچه سند این روایت در منابع سنی و شیعه قابل بحث است اما ورود به بحثهای سندی در اینجا کارسازی لازم را ندارد، زیرا طبق مبانی پذیرفته شده، یک روایت هرچند دارای عالی ترین سند باشد، اگر با مبانی مطرح شده در کتاب و سنت پیامبر اکرم (ص) در تعارض واقع شود، مردود شمرده می شود و حکم به عدم صدور آن می شود. به خصوص اگر به این نکته توجه کنیم که در برهه ای از زمان حدیث

سازان ماهری در میان جامعه اسلامی رشد پیدا کرده بودند که روایاتی با سلسله سند صحیح جعل می کردند تا بیشتر مورد پذیرش مردم واقع شود. از این رو باید بیشتر تکیه خود را بر نقد محتوایی این روایت بگذاریم.

از نظر محتوا نقدهای زیر را می توان بر این روایت وارد کرد:

۱- این روایت با آیات قرآن کریم که در آنها علم و علمآموزی تشویق شده (۲۳) در تعارض است. زیرا در این آیات زنان مورد استثنا واقع نشده اند و همچنین بعضی از مواد آموزشی همچون کتابت از حکم کلی، بیرون نرفته است و کتابت را اگر هم یک ماده آموزشی جداگانه به حساب نیاوریم، اما نمی توانیم نقش فراوان آن را در آموزش و علمآموزی از نظر دور بداریم.

۲- این روایت با سیره عملی پیامبر اکرم (ص) در تناقض است، زیرا دیدیم که پیامبر اکرم (ص) خود به زنان آموزش می داد و حتی به مواردی برخورد کردیم که بعضی از زنان به بعضی از همسران پیامبر اکرم (ص) کتابت می آموختند.

۳- این روایت با روایاتی همچون ((طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة)) (۲۴)

دانش جویی بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.)) که روایتی معتبر با سلسله اسناد قوی تر در تعارض است که این گونه روایات در منابع معتبر شیعه و سنی وارد شده است.

۴- این روایت با عمل ائمه اطهار علیهم السلام و نیز صحابه و تابعین در تعارض

است، زیرا با بررسی سیره عملی آنها این نکته را درمی یابیم که علاوه بر آنکه خود زنان و مردان را تشویق به علم آموزی می کردند، در میان خاندان آنها نیز تعداد فراوانی زنان آشنا به کتابت نیز وجود داشته اند و در هیچ موردی به نهی خاص یکی از آنها نسبت به یادگیری کتابت زنی خاص برخورد نمی کنیم.

۵- پذیرش این روایت، این شبهه را تقویت می کند که اسلام با آموختن یکی از برترین مظاهر تمدن به زنان یعنی نوشتن مخالف است، که این اتهام با بررسی مجموع معارف اسلام در تضاد است.

۶- دلیلی که برای این نهی از سوی بعضی ذکر شده است آن است که زنان به وسیله آموزش کتابت به اغراض فاسد خود دست می یابند. (۲۵)

گویا پایه این دلیل بر این استوار است که کتابت زنان هیچ فایده ای به جز رسیدن به اغراض فاسد ندارد، در حالی که اولاً کتابت در مقایسه با ابزارهای دیگر که برای رسیدن به اغراض فاسد به کار گرفته می شود، ابزار قابل اعتنایی نیست. و ثانیاً بر فرض استفاده اندک از آن در رسیدن به اغراض فاسد، نمی تواند توجیه کننده حرمت مطلق آن باشد و الا باید همه ابزارهایی که به نحوی می توان از آنها در راه باطل بهره گرفت، حرام شود. و ثانیاً فواید و مصالحی که بر کتابت زنان مترتب است قابل مقایسه با این استفاده ناچیز در راه حرام نمی باشد. و رابعاً مردان نیز می توانند از کتابت در راه اغراض فاسد بهره گیرند و چنین نیز می کنند و حتی شاید بتوانیم بگوییم بهره گیری آنها از این وسیله در راه اغراض فاسد قابل مقایسه با زنان نیست، و بنابراین توجیه باید از کتابت مردان نیز جلوگیری شود.

۷- اصولاً این گونه سخن گفتن با سنخ سخنهای پیامبر اکرم(ص) ناسازگار است، زیرا در این روایت، خود زنان مورد خطاب قرار نگرفته اند و مثل اینکه فرض بر آن بوده که آنها قابل مخاطب واقع شدن نیستند. و صحیح آن بود که با توجه به اینکه در شریعت اسلامی زنان نیز مانند مردان مکلف به تکالیف شرعی می باشند، خود آنان مستقیماً مورد خطاب واقع شوند که این نهی بیشتر مورد پذیرش آنها واقع می شود و غرض صاحب شریعت زودتر حاصل می شود. زیرا در توجیه این روایت زنان می توانند بگویند مخاطب و مکلف در این روایت مردان هستند و بر آنها حرام است که به ما کتابت را آموزش دهند. اما اگر آنها این فرمان را اطاعت نکردند و یا آنکه ما از هر طریق دیگری توانستیم کتابت را بیاموزیم، در این هنگام عمل حرامی را مرتکب نشده ایم.

۸- در این روایت چنین آمده که به زنان سوره نور را تعلیم دهید. حال سوال این است که آیا نمی توان از کتابت در راه تعلیم سوره نور به زنان استفاده کرد؟ و اگر چنین استفاده ای بشود، کار حرامی انجام شده است؟

۹- ظاهر این روایت آن است که تنها مواد آموزشی قابل تعلیم به زنان نخ ریسی و سوره نور است. در حالی که چنین مطلبی بر روح تعلیم اسلامی در تضاد است. علاوه بر آنکه کارآمد بودن قوانین اسلامی را زیر سوال می برد. زیرا این نکته واضح است که در هر زمان زنان لاقلاً برای رفع نیازهای زنان دیگر نیاز به تعلیم مواد

آموزشی فراوان مانند فقه و طب دارند. چنانچه در زمان حضرت پیامبر اکرم(ص) و پس از آن به زنان آشنا به طب و نیز علوم دیگر برخورد کردیم و این گونه زنان نه تنها مورد بی مهری آن حضرت(ص) واقع نمی شدند، بلکه در مواردی نیز تشویق می شدند.

۱۰- اهل سنت این حدیث را از عایشه نقل می کنند، در حالی که در باره او چنین آمده که می نوشته است. و همین مطلب بهترین دلیل بر ساختگی بودن این روایت به نام عایشه است، علاوه بر آنکه در مباحث گذشته دیدیم که عایشه به مواد آموزشی به مراتب فراتر از آنچه در این روایت آمده، آشنا بوده است. سخن پایانی در باره این روایت آنکه چنین به نظر می رسد که این حدیث به دنبال دیدگاه خاص عمر در باره جلوگیری از کتابت روایات پیامبر اکرم(ص) و نیز دیدگاه ویژه او در مورد کتابت زنان ساخته شده باشد. زیرا به عمر چنین نسبت داده شده که می گفت:

((جنهون الکتابه و لا تسکنوهن الغرف و استعینوا علیهن بلا فان ((نعم)) تضر بهن;(۲۶)

از تعلیم کتابت به زنان بپرهیزید و آنان را در غرفه ها جای ندهید و به کمک کلمه ((نه)) در مقابل خواستهای آنها مقاومت کنید، زیرا کلمه ((بلی)) به زیان آنهاست.))

همچنین این احتمال وجود دارد که ساخته شدن این حدیث در زمانی بوده که زنان با علمآموزی و آشنایی خود با کتابت در میدان وارد شده و اسباب ناخوشایندی مردان را فراهم کرده بودند، که در مقابل مردان نیز دست به کار شده و سعی در پایین آوردن شوون زنان در جوانب مختلف حتی با توسل به حدیث سازی داشته اند. گویا طرز تلقی مردان از شوون زنان در این دوره همان است که در شعر زیر متجلی شده است.

ما للنسإ و للکتا هذا لنا و لهن منا  
به و العماله و الخطابه ان یبتن علی الجنابه;(۲۷)

زنان را چه کار با نوشتن و کار کردن و سخنرانی نمودن. اینها کارهای ما مردان است و نصیبی که زنان از ما دارند آن است که شب را با حالت جنابت به صبح رسانند.



## پی‌نوشت‌ها

- ۱- سیدمحمد رضا حسینی جلالی، تدوین السنه الشریفه، ص ۴۱۳.
- ۲- جعفر سبحانی (اشراف - نظارت)، موسوعه طبقات الفقهاء، چاپ اول، قم، موسسه الامام الصادق (ع)، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۹.
- ۳- عزیزالله عطاردی، مسند فاطمه الزهرا علیها السلام، چاپ اول، انتشارات عطارد، ۱۴۱۲ق، ص ۵۹۰ - ۶۰۲، باب رواه فاطمه علیها السلام.
- همچنین مسندهای دیگری همچون مسند فاطمه الزهرا رضی الله عنها و ماورد فی فضلها نوشته جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی (تحقیق فوار احمد زمرلی، چاپ اول، دار ابن حزم، ۱۴۱۴ق و مسند فاطمه الزهرا علیها السلام، نوشته سیدحسین شیخ الاسلامی چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷، موجود است که با بررسی آنها می‌توان روایان حضرت (س) را به دست آورد.
- ۴- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۳. در موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱، ص ۲۰، به نقل از المجالس السنیه، ج ۲، ص ۹۵ به جای شیعتنا، امتنا آمده است.
- ۵- همان.
- ۶- اسامی شش نفر دیگر چنین است: ابوهریره با ۵۳۷۴ روایت، عبدالله بن عمر با ۲۶۳۰ روایت، انس بن مالک با ۲۲۸۶ روایت، عبدالله بن عباس با ۱۶۶۰ روایت، جابر بن عبدالله انصاری با ۱۵۴۰ روایت و ابوسعید خدری با ۱۵۴۰ روایت.
- ۷- احمد خلیل جمعه، نسای مبشرات بالجنه، ج ۲، ص ۳۶.
- ۸- ابوعبیده مشهور بن حسن آل سلمان، عنایه النسیا بالحديث النبوی، ص ۵۳.
- ۹- احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، بیروت، المكتب الاسلامی و دار صادر، ج ۶، ص ۲۹ - ۲۸۲.

- ۱۰- ابوالفضل احمد بن علی بن حجر عسقلانی، مسند عایشه ام المومنین من المسند المعتلی باطراف المسند الحنبلی، تحقیق ابومطیع عطی‌الله بن عبد الغفار کوریجو السندی، قاهره، مکتبه السنه، ۱۴۱۶ق.
- ۱۱- احمد خلیل جمعه، همان، ج ۲، ص ۳۶ که از ذهبی چنین مطلبی را نقل می کند.
- ۱۲- همان، ص ۳۹.
- ۱۳- ابو عبیده مشهور بن حسن آل سلمان، همان، ص ۷۱.
- ۱۴- جعفر سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱، ص ۱۳۸ که این روایت را از موطن مالک، ج ۲، ص ۶۰۵ نقل می کند.
- ۱۵- همان.
- ۱۶- محمود طعمه حلبی، نسیا حول الرسول، ص ۶۴.
- ۱۷- ابو عبیده مشهور بن حسن آل سلمان، همان، ص ۵۶.
- ۱۸- نورالدین علی بن ابی بکر الهیثمی، مجمع الزوائد، بیروت، دار الکتب العربی، ج ۴، ص ۹۳، باب صناعه النسیا.
- ۱۹- ابو عبدالله محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ج ۲، ص ۴۳۰، حدیث ۳۴۹۴.
- ۲۰- محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی، چاپ ششم، تهران، مکتبه الاسلامیه، ج ۱۴، ص ۱۲۷، باب ۹۲ از ابواب مقدمات النکاح، حدیث ۱.
- ۲۱- میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، تحقیق موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیا التراث، چاپ اول، قم، ۱۴۰۷ق، ج ۱۴، ص ۲۵۹، باب ۷۲ از ابواب مقدمات النکاح، حدیث ۱.

۲۲- برای اطلاع بیشتر از دیدگاهها در باره این کتاب مراجعه شود به محمدعلی علی صالح المعلم تقریر درس شیخ مسلم داوری، اصول علم الرجال بین النظریه و التطبيق، چاپ اول، قم، مولف ۱۴۱۶ق، ص ۳۲۰.

۲۳- مانند آیه ((قل هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون))، سوره زمر، آیه ۹.

۲۴- ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۲۰؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۷۷.

۲۵- عبدالحی کتانی، التراتیب الاداریه، ج ۱، ص ۵۱.

۲۶- عبدالحی کتانی، همان، ج ۱، ص ۵۲.

۲۷- همان.

ماهنامه پیام زن - شماره ۱۲۶ - شهریور ۱۳۸۱

منبع: سایت تبیان